

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Affordances and Their Roles in the Conservation Process of Historic Urban
Squares in Iran (A Case Study of "Ganjali Khan Square, Kerman)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مطالعه موردی

قابلیت ادراک شده و جایگاه آن در فرایند حفاظت از میادین تاریخی در ایران (مطالعه موردی: میدان گنجعلی خان کرمان)*

منصور خواجه پور^{۱*}، پیروز حناچی^۲

۱. گروه مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران
۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

چکیده

بیان مسئله: فضاهای عمومی مستقیماً با الگوهای رفتاری و نیازهای کاربران در ارتباط هستند. قابلیت ادراک شده (افوردنس) از مفاهیم کلیدی و پر کاربرد در حوزه روان‌شناسی محیط است که در شناخت ارتباط الگوهای رفتاری و نیازهای کاربران محیط به کار می‌رود. یکی از مسائل اصلی در حوزه حفاظت میراث شهری و به خصوص میادین تاریخی در ایران، تکیه بر طرح‌های بالادستی و نگاه بالابنه‌پایین در فرایندهای حفاظتی است. مشارکت ذی‌نفعان و رابطه متقابل آن‌ها با محیط، بخش مهمی از فرایند حفاظت در فضاهای شهری و میادین تاریخی است. مفهوم افوردنس می‌تواند به شناخت بهتر ادراک ذی‌نفعان در میادین تاریخی (گنجعلی خان) و در پی آن به تصمیم‌گیری‌های حفاظتی مرتبط با آن و رویکردهای پایین‌به‌بالا کمک کند.

هدف پژوهش: این پژوهش به دنبال ادراک ذی‌نفعان در میدان گنجعلی خان کرمان به عنوان یک فضای عمومی تاریخی از قابلیت‌های ادراک شده (افوردنس) در آن و تفسیر آن‌ها در جهت استفاده در فرایندهای حفاظت و مرمت است.

روش پژوهش: در این پژوهش کاربردی، ابتدا ادراک ذی‌نفعان از ویژگی‌های میدان گنجعلی خان کرمان از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته باز دریافت شده و سپس براساس مدل «گیور» از دسته‌بندی قابلیت‌های ادراک شده (افوردنس) تقسیم‌بندی شده‌اند. سپس در یک فرایند استدلال منطقی و گذار از فیلتر گروه کانونی (فوکوس گروپ)، اولویت‌بندی شده و راهبردهای حفاظتی کلی برای آن‌ها جهت استفاده در طرح‌های حفاظت و بازسازی پیشنهاد شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد فهم قابلیت‌های ادراک شده در میادین تاریخی و چگونگی ادراک آن‌ها از سوی ذی‌نفعان، به تصمیم‌گیری در روندهای حفاظتی کمک می‌کند. تقسیم‌بندی قابلیت‌های حاصل از ویژگی‌های میدان به سه گروه قابلیت‌های ادراک پذیر، کاذب و پنهان، اطلاعاتی را در اختیار حفاظت‌گران قرار می‌دهد که می‌تواند برای تغییر روندهای تصمیم‌گیری از پایین‌به‌بالا در فرایندهای حفاظتی کمک کند.

واژگان کلیدی: حفاظت میراث شهری، برنامه‌ریزی از پایین‌به‌بالا، قابلیت‌های ادراک شده، میدان تاریخی شهری، میدان گنجعلی خان کرمان.

مقدمه

نیازهای آن‌ها دارد و هرچه محیط برای نیازهای آن‌ها پاسخ مناسب‌تری ارائه کند، در نظر آن‌ها ارزش بیشتری دارد.

ادراک کاربران و ذی‌نفعان از محیط، نقش بسیار مهمی در رفتار آن‌ها نسبت به محیط و شکل‌گیری انتظارات و

دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: Mkhajepour@uk.ac.ir، ۰۹۱۳۳۴۳۲۰۳۲

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «منصور خواجه پور» با عنوان «مبانی نظری حفاظت از میادین تاریخی شهری در ایران، با تأکید بر نقش و جایگاه قابلیت» است که به راهنمایی دکتر «پیروز حناچی» در

با ویژگی‌ها و قابلیت‌های آن میدان است. چراکه بخش زیادی از این ادراک، منطبق با ویژگی‌ها و به‌خصوص ارزش‌های گوناگون میراثی میدان تاریخی نیست. از این رو شناخت ادراک ذی‌نفعان از قابلیت‌های میدان باعث می‌شود تا بتوان برنامه‌ریزی‌های حفاظتی را روی مدیریت این ادراک متمرکز کرد. چراکه تنها با اخذ نظر ذی‌نفعان و تأثیر آن بر روند حفاظت نمی‌توان به حفاظت مطلوب دست یافت. دلیل این امر عدم‌آشنایی همه گروه‌های ذی‌نفع با ارزش‌های میدان از یک‌سو و اصول پذیرفته‌شده حفاظت، از سوی دیگر است. به همین دلیل ممکن است نظر این گروه‌ها مبتنی بر ادراکی باشد که داخل شدن آن در فرایند حفاظت، نه‌تنها مفید نبوده بلکه در تعارض با اهداف کلی حفاظت قرار داشته باشد (Khajepour Galousalari & Hanachi, 2025).

پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به حفاظت منظر شهری تاریخی، به‌طور عام متمرکز بر شهر، مفهوم شهر و روش‌های مداخلات حفاظتی در شهرهای تاریخی در کلیت آن بوده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مطالعات رادول (Rodwell, 2014)، باندارین و ون اوئرز (Bandarin & Van Oers, 2012) اشاره کرد. پولس و همکاران (Pulles et al., 2023) در پژوهشی پیرامون استراتژی‌های نوظهور برای معاصرسازی مکان‌های شهری تاریخی، هفت محرک کلیدی را بررسی کرده‌اند که نتایج مهمی دربر داشته است. این هفت محرک شامل (۱) مشارکت کاربران، (۲) نگاه از بالا به پایین، (۳) امکان غنی، (۴) پایداری و استفاده مجدد، (۵) تبدیل و دگرگونی، (۶) بافت شهری و (۷) کیفیت زندگی است. نتایج این پژوهش نشان داد از میان این عوامل، مشارکت کاربران بالاترین تأثیر مثبت و نگاه از بالا به پایین بیشترین تأثیر منفی را بر فرایندهای معاصرسازی داشته است. این نتایج بر اهمیت نیازها و خواسته‌های کاربران و تأثیر آن‌ها بر طرح‌های حامل بر بافت‌های تاریخی شهری تأکید می‌کند. پور بهادر و برینکایسن (Pourbahador & Brinkhuijsen, 2023) نیز پنج اصل مهم برای مدیریت میراث و تداوم ارزش‌های میراث فرهنگی را از میان اسناد بین‌المللی چنین برگزیده و بررسی کرده‌اند: (۱) افزایش آگاهی، (۲) تشویق به مشارکت، (۳) توسعه پایدار، (۴) مدیریت تغییرات و (۵) نظارت دائمی و جاری بر میراث. جیمز گیبسون، داندل نورمن و ویلیام گیور، از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی هستند که مطالعاتی را در حوزه قابلیت و ادراک آن داشته‌اند. گیبسون معتقد است قابلیت محیط ثابت است و براساس نیاز مشاهده‌کننده تغییرپذیر نیست، بلکه پدیده‌ای است که با ماهیت زیست‌محیطی در طبیعت وجود دارد (Mohammadi et al., 2017).

رویکردهای امروزی حفاظت از منظر شهری تاریخی، بر روندهای مشارکتی تأکید دارند. از سوی دیگر حفاظت از میراث شهری یک فرایند پیچیده است که در حالتی ایده‌آل، متضمن حفظ تمامی ارزش‌های محیط شهری، هم‌زمان با پاسخ‌گویی به نیازهای ذی‌نفعان و گروه‌های اجتماعی متعددی است که هر یک به‌نحوی با محیط در ارتباط بوده و از آن استفاده می‌کنند. چراکه شهر خوب، وظیفه دارد نیازهای ساکنانش را با توجه به تغییرات زمان تأمین کند (Mozayeni, 2006, 28). بنابراین قضاوت در مورد حفاظت و موفقیت آن، همواره بر مبنای میزان موفقیت در حفظ ارزش‌های موضوع حفاظت، انجام شده است (Hazen, 2009, 169).

رویکردهای هماهنگ از پایین به بالا و مبتنی بر ارزش‌های گوناگون میراث فرهنگی به جای رویکردهای مبتنی بر اندیشه‌های از پیش تعریف‌شده و از بالا به پایین، راه حل‌های مناسبی برای باززنده سازی و حفاظت محیط‌های تاریخی شهری محسوب می‌شوند (Rodwell, 2014) اما مداخلات شهری در میادین تاریخی ایران، عمدتاً مبتنی بر طرح‌های بالادستی و رویکردهای از بالا به پایین بوده و پاسخ‌گویی به نیازهای ذی‌نفعان، اغلب متکی بر رفع نیازهای اولیه زندگی معاصر بوده و توجهی به قابلیت‌های گوناگون میادین تاریخی ندارند. به‌خصوص اینکه این نیازها در طول زمان تغییر کرده و به‌طور دائم باید پایش و در نظر گرفته شوند (Khajepour Galousalari & Hanachi, 2025).

میدان‌های شهری تاریخی، از جمله محیط‌های شهری عمومی هستند که علاوه بر ارزش‌های درونی، مجموعه‌ای از ارزش‌های مرتبط با زندگی و پویایی معاصر را نیز داشته و علاوه بر ارزش‌های تاریخی و ارزش‌های مرتبط با فرهنگ‌های گذشته، به‌طور زنده با ارزش‌های کاربردی روز (از جمله ارزش‌های اقتصادی، علمی، مردم‌شناسی و ...) نیز پیوند دارند. گروه‌های مختلف کاربران و ذی‌نفعان با مجموعه‌ای از نیازهای مختلف با میدان تاریخی روبه‌رو شده و هر یک به فراخور نیاز و ادراک خود از ویژگی‌های میدان، رفتار متفاوتی را در مواجهه با محیط بروز می‌دهند. بنابراین می‌توان میدان را مکانی دانست برای ملاقات گروه‌های اجتماعی که هدف آن تحریک زندگی اجتماعی است (Ghaedrahmati & Nejati, 2019). برای شناخت نیازهای ذی‌نفعان در یک میدان تاریخی روش‌های معینی بر مبنای تئوری‌های مشخص وجود دارد. یکی از این روش‌ها انجام مصاحبه‌ها در ساختارهای مختلف (به‌خصوص مصاحبه‌های بدون ساختار یا نیمه‌ساختاریافته باز) روی الگوی دسته‌بندی نیازها که «آبراهام مازلو» ارائه کرده، است. این روش در بسیاری از فضاهای تاریخی و میراث فرهنگی انجام می‌شود اما آنچه مسئله اصلی در این فرایندها است، ارتباط میان ادراک ذی‌نفعان در یک فضای تاریخی و نیازهای آن‌ها

شهری تاریخی وارد کرده و برهم کنش انسان و گذشته‌اش را از منظر بوم‌شناختی (اکولوژیک) بررسی کرده است. وی میراث‌فرهنگی را در دو گروه میراث ملموس و ناملموس بررسی کرده و قابلیت‌های آن‌ها را تحلیل کرده است و اقدامات مختلف مرتبط با استفاده از مواد و مصالح، ساختار معماری و شکل‌گیری گذرهای محوطه باستانی چتل هویوک را مثال زده و رابطه میان دلیل شکل‌گیری آن‌ها از سوی ساکنان و قابلیت‌هایی که آن‌ها ادراک کرده‌اند را بررسی کرده است.

عمر (Amar, 2017) در رساله دکتری خود در دانشگاه بوند استرالیا، با عنوان «حفاظت از میراث‌فرهنگی مصنوع: پژوهشی بر ادراک ذی‌نفعان در استرالیا و تانزانیا» به موضوع ادراک ذی‌نفعان از میراث‌فرهنگی مصنوع می‌پردازد. اگرچه این پژوهش به موضوع قابلیت‌های ادراک‌شده ورود نکرده است، با این حال روی موضوع زمینه‌ای قابلیت‌های ادراک‌شده، یعنی ادراک ذی‌نفعان، تأکید و مطالعه کرده است. وی در این پژوهش نتیجه می‌گیرد ادراک ذی‌نفعان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی لازم برای دستیابی به پایداری در حفاظت از میراث‌فرهنگی ساخته شده به‌شمار می‌رود و تأکید می‌کند یک سیستم مدیریت میراث نباید خود را به یک رویکرد مبتنی بر ارزش محدود کند بلکه باید ادراکات ذی‌نفعان در جهت مقابله با تنش میان آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری را نیز در نظر گیرد.

بارتیر (Bareither, 2021) نشان داده است، افوردنس‌های احساسی در سایت‌های تاریخی و تعامل با رسانه‌های دیجیتال، می‌توانند تجربه و حافظه بازدیدکنندگان را شکل دهند. مطالعات دیگر نیز تأکید دارند ادراک ویژگی‌های فضایی و عملکردی بناها و سایت‌های میراثی، بازدیدکنندگان را قادر می‌سازد تعامل معناداری با محیط داشته باشند و تجربه احساسی و شناختی غنی‌تری کسب کنند (Gallou et al., 2022; Mulder, 2022).

همچنین، پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند بهره‌گیری از افوردنس‌های تعاملی در محیط‌های دیجیتال و واقعیت مجازی می‌تواند پذیرش فناوری‌های میراثی را افزایش دهد و مشارکت و یادگیری بازدیدکنندگان را تسهیل کند (Jia et al., 2023; Lee et al., 2025). در کنار این، طراحی معماری تاریخی با توجه به افوردنس‌ها، امکان تقویت تجربه فضایی و تعامل انسان با محیط را فراهم می‌کند (Djebbara et al., 2024). به این ترتیب، توجه به افوردنس‌ها در حفاظت، مدیریت و ارائه میراث‌فرهنگی، زمینه ایجاد تجربه‌های معنادار و کارآمد برای بازدیدکنندگان را فراهم می‌آورد (Wang et al., 2024).

خواجه پور و حناچی (Khajepour Galousalari & Hanachi, 2025)، مدلی مفهومی برای کاربرد مفهوم قابلیت ادراک‌شده

نورمن (Norman, 1999, 39) از تعریف گیبسون فاصله گرفته و معنای قابلیت را به ویژگی‌های حقیقی و ادراکی اشیا معطوف دانست. وی ادراک هر فرد را با همه پیش‌داوری‌های شخصی و فرهنگی‌اش، مؤلفه‌ای از قابلیت‌ها دانست.

در این میان گیور (Gaver, 1991, 81) نیز همانند گیبسون معتقد است، قابلیت‌ها (به معنی امکان‌پذیری یک عمل در یک محیط که امکان آن برای موجودات فراهم است) از ادراک مخاطبین محیط جدا بوده و خواه مشاهده‌کننده آن را درک کند یا نه، در ذات محیط موجود است. گیور همچنین معتقد است فرهنگ، تجربه و یادگیری در درک حقیقی قابلیت‌ها مؤثر است و این درک، تا حدود زیادی با فرهنگ، پیشینه اجتماعی تجربیات و مقاصد کاربران مشخص می‌شود.

در حوزه محیط‌های ساخته‌شده نیز علوه و همکاران (Alwah et al., 2021) ابزاری کمی برای اندازه‌گیری میزان پاسخ‌گویی فضای عمومی به نیازهای کاربران ارائه کرده‌اند.

کوتامانیس (Koutamanis, 2006) در پژوهشی با عنوان «ساختمان‌ها و قابلیت‌های ادراک‌پذیر»، به موضوع ارتباط میان قابلیت‌ها و ساختمان‌ها پرداخته است. در بخش مهمی از این پژوهش، او به نقش استفاده‌کنندگان و کاربران در شناسایی قابلیت‌هایی که یک ساختمان یا بخش‌هایی از آن می‌تواند داشته باشد پرداخته است.

دانشگر مقدم و اسلام پور (Daneshgarmoghaddam & Eslampour, 2013)، در پژوهشی نظریه قابلیت محیط از دیدگاه گیبسون را در مطالعات انسان و محیط انسان‌ساخت بررسی کرده‌اند. در این مطالعه تعریف قابلیت محیط از نظر نظریه‌پردازان مختلف و در ادامه، جایگاه مفهوم قابلیت محیط در طراحی محیط بررسی شده است.

امامقلی و همکاران (Emamgholi et al., 2013) در پژوهشی دیگر با عنوان «روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری»، پیشینه دانش روان‌شناسی محیطی و روند توسعه آن را بررسی کرده‌اند.

مایر و همکاران (Maier et al., 2009)، در پژوهش «راهبردی افوردنس محور برای، تئوری، طراحی و عمل در معماری» نتیجه گرفته‌اند که ایده قابلیت ادراک‌شده، مفهومی تثبیت‌شده از روانشناسی اکولوژیکی است که می‌تواند به‌عنوان یک مبنای مفهومی و چهارچوب وحدت‌بخش برای نظریه، طراحی و عمل در معماری عمل کند.

استیونز و همکاران (Stevens et al., 2024) در پژوهش جدیدی در مورد قابلیت ادراک‌شده و نقش آن در طراحی برای امکان در فضای عمومی، تأکید می‌کنند بیشتر کاربردهای تئوری قابلیت ادراک‌شده، تمایل به تمرکز بر قابلیت طراحی و توجه کمتر به «عملکرد» دارند.

آلوز (Alves, 2014)، مفهوم قابلیت‌های ادراک‌شده را به منظر

منجر به ادراک قابلیت‌هایی از محیط می‌شود که در گروه‌های مختلف ذی‌نفع متفاوت است.

با توجه به اهمیت مشارکت کاربران و ذی‌نفعان در روندهای حفاظتی، به‌خصوص حفاظت از میراث شهری عمومی و میدان‌های تاریخی، مفهوم قابلیت و ارتباط آن با ادراک کاربران محیط‌های عمومی نیز با روش ذکرشده، بررسی و تفسیر شده است و مفاهیم اصلی آن که به ساختار نظری پژوهش کمک می‌کند ارائه گردیده است. از آن‌جا که قابلیت‌ها یک فرایند ادراکی پویا هستند و رابطه افراد و محیط‌های ساخته‌شده در آن‌ها در طول زمان توسعه می‌یابد، هر فرد اطلاعات موجود در محیط را برداشت کرده و امکان‌پذیری‌های عملی پیشنهادشده توسط این اطلاعات را ادراک می‌کند. در نتیجه قابلیت‌ها به دانشی تبدیل می‌شوند که می‌توانند رابطه میان فرد و محیط ساخته‌شده را پشتیبانی کنند.

• قابلیت (ادراک‌شده) محیط

واژه افوردنس را نخستین بار جیمز گیسون برای ویژگی‌ها و خصوصیات کنش‌پذیر میان محیط و جاندار به کار برد (Bagheri 2014) در ادبیات تخصصی به زبان فارسی واژه «قابلیت ادراک‌شده» معادل واژه افوردنس به کار می‌رود.

محیط‌ها در پی تغییر مداوم، همواره غنی از اطلاعات‌اند و بیشتر از آنچه که دیده می‌شوند حاوی معانی هستند (Bell et al., 2005, 2). محیط‌ها، علی‌رغم پویایی همیشگی‌شان، از اطلاعاتی سرشار هستند؛ به این معنا که آنچه از آن‌ها دریافت می‌شود، کمتر از محتوای معنایی واقعی‌شان است (ibid.). محیطی که در آن کاربران فعالیت دارند، با هدف تحلیل رابطه میان متغیرهای محیطی و عملکرد کاربر، همواره موضوع پژوهش‌های مرتبط قرار گرفته است (Bagheri 2014). در نتیجه، می‌توان گفت محیط‌ها ذاتاً واجد قابلیت‌هایی در قالب مفهوم افوردنس هستند که این قابلیت‌ها به درک کاربر از محیط وابسته‌اند و به آن‌ها «قابلیت‌های ادراک‌شده» گفته می‌شود. باین‌حال، در ادبیات روان‌شناسی محیط، این نوع از قابلیت‌ها غالباً با عنوان «قابلیت محیط» شناخته می‌شوند.

نقش قابلیت‌های ادراک‌شده در طراحی محیط، معطوف به شناسایی فعالیت‌هایی است که امکان و احتمال انجام آن‌ها از سوی کاربر وجود دارد و این شناسایی می‌تواند طراحی پاسخ‌گو از سوی محیط را به‌همراه داشته باشد (Liu & Lu, 2009, 43). از این‌رو، درک قابلیت‌های ادراک‌شده در یک فضای عمومی، به‌ویژه یک میدان تاریخی، افزون بر کمک به درک بهتر نیازهای انسانی، می‌تواند ارزش‌هایی را که از پاسخ محیط به این نیازها حاصل می‌شود، آشکار و قابل تفسیر کند.

گیور (Gaver, 1991) نیز همچون گیسون، قابلیت‌ها را مستقل از ادراک مشاهده‌کنندگان می‌داند؛ به‌عبارتی، قابلیت‌ها

(افوردنس) در میدان‌های تاریخی شهری ارائه داده‌اند. آن‌ها چنین استدلال کرده‌اند که فهم ادراک ذی‌نفعان در یک میدان تاریخی از ویژگی‌های شش‌گانه (تاریخی، فیزیکی، عملکردی، بصری، معنایی و اجتماعی) آن میدان می‌تواند اطلاعاتی را فراهم کند که با تقسیم‌بندی آن‌ها بر مبنای مدل گیور، امکان تصمیم‌گیری بهتر در فرایند حفاظت میدان فراهم می‌شود.

مجموعه پژوهش‌های اشاره‌شده را می‌توان در دو دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد. دسته نخست پژوهش‌های نظری و عملی در حوزه قابلیت ادراک‌شده در پارادایم روان‌شناسی ادراک که گیسون، نورمن و گیور مهم‌ترین پژوهشگران این گروه هستند. دسته دوم پژوهش‌های مرتبط با به‌کارگیری مفهوم قابلیت ادراک‌شده در حوزه میراث‌فرهنگی است که آلو، عمر، خواجه‌پور و حناچی، جبارا، وانگ و ... نمونه‌هایی از این گروه‌اند اما لزوم اجرای عینی و عملی مبنای فوق روی اثری ملموس (یا ناملموس) در حوزه میراث‌فرهنگی، با هدف روشن‌تر شدن جزئیات و نحوه اجرای این مبنای و چگونگی عینی درک و دریافت ادراکات ذی‌نفعان در این حوزه، این پژوهش را مهم می‌کند. چراکه اجرای عملی این راهبرد، روی موضوعی عینی، از جمله میدان‌های تاریخی که بیشترین و متنوع‌ترین ارتباط را در میان انواع میراث‌فرهنگی با ذی‌نفعان دارند (به‌خصوص در ایران)، می‌تواند مسیر دستیابی به اهداف فوق را روشن و راهبرد ادراک ذی‌نفعان را کاربردی‌تر کند.

از این‌رو، در این پژوهش مفهوم افوردنس به‌طور عینی در فرایند تصمیم‌گیری حفاظتی در یک میدان تاریخی شهری وارد شده و نتایج آن بررسی شده است. به‌طوری که میزان اهمیت و تأثیرگذاری و همچنین اطلاعات و نتایج حاصل از آن در یک فرایند مشخص از اقدامات حفاظتی تبیین و تعیین شود.

مبنای نظری

حضور گروه‌های متنوع ذی‌نفع در میدان‌های تاریخی و رویکردهای مشارکتی با تأکید بر جهت اقدام از پایین‌به‌بالا، مفهوم روند مشارکتی را در یک میدان تاریخی مؤکد می‌کند. از سوی دیگر، گروه‌های ذی‌نفع در دو جهت طول زمان و عرض جغرافیا، دچار تغییراند و هم‌زمان روی میدان تاریخی و ویژگی‌های آن نیز تأثیر می‌گذارند. از این‌رو این دو عامل به‌طور مستقیم وابسته به رفتار گروه‌های ذی‌نفع در میدان تاریخی به‌عنوان بخشی از منظر شهری تاریخی هستند.

رفتار گروه‌های ذی‌نفع نیز وابسته به ادراک آن‌ها از محیط است. این ادراک همواره تحت تأثیر دو عامل نیازهای آن‌ها و ارزش‌های حاصل از پاسخ‌گویی به نیازها با توجه به ویژگی‌های میدان است. بنابراین رابطه میان سه مولفه ویژگی‌های میدان، نیازهای کاربران و ارزش‌های حاصل از پاسخ‌گویی به نیازها

باشد، بی‌آنکه به ارزش‌های اصلی و اصیل اثر توجه شود. در چنین شرایطی، نه‌تنها پیوستگی تاریخی و هویتی اثر دچار خدشه می‌شود، بلکه اصالت آن نیز در معرض تهدید قرار می‌گیرد (تصویر ۱).

در نقطه مقابل، اتخاذ رویکرد صرفاً علمی و مبتنی بر نظریه‌های تخصصی، بدون در نظر گرفتن نظرات کاربران و نیازهای زیسته آن‌ها، می‌تواند پیامدهایی منفی در پی داشته باشد. زیرا بخش زیادی از نیازهای کاربران یک میدان تاریخی را می‌توان با حفظ ارزش‌های میدان و طبقه‌بندی آن‌ها پاسخ داد (تصویر ۲). این رویکرد، با تقلیل نقش حفاظت‌گر به یک متخصص صرف فنی، تعامل انسانی با فضا را نادیده گرفته و زمینه‌ساز فاصله‌گرفتن میدان تاریخی از بستر زندگی روزمره می‌شود.

به همین دلیل حفاظت‌گران متخصص که از منظر نظری و تجربی بر فضای حفاظت‌شده تسلط دارند، می‌توانند به‌عنوان مرجع معتبر برای تفکیک، تحلیل و ارزیابی قابلیت‌های ادراک‌شده در میان گروه‌های مختلف ذی‌نفع عمل کنند (تصویر ۳). مبنای قضاوت حفاظت‌گران نیز علاوه بر مجموعه ارزش‌های بنا، اصول معیار حفاظت، شامل یکپارچگی، اصالت، خوانایی، حداقل مداخله و برگشت‌پذیری است (Raoufi & Khajepour, 2021) (جدول ۱).



تصویر ۱. ادراک عملکردی از ستون‌ها و جداره‌های میدان، قابلیت کاذب. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

درک شوند یا نشوند، در ذات محیط وجود دارند. او همچنین معتقد است فرهنگ، تجربه و یادگیری در درک قابلیت‌ها نقش مهمی دارد و درک افراد از آن‌ها، تا حد زیادی تابع پیشینه اجتماعی، تجربه‌ها و اهداف آن‌هاست. براساس این رویکرد، گیور (ibid.) سه نوع قابلیت ادراک‌شده را در محیط شناسایی می‌کند: قابلیت‌های ادراک‌پذیر، قابلیت‌های کاذب و قابلیت‌های پنهان.

در حوزه میراث‌فرهنگی و معماری، افوردنس‌ها به‌عنوان واسطه‌ای میان ویژگی‌های فیزیکی فضا و رفتار بازدیدکنندگان عمل کرده و تجربه، تعامل و درک محیط را شکل می‌دهند (Bareither, 2021). این ویژگی‌ها نه‌تنها شامل قابلیت‌های عملکردی بنا و فضا هستند، بلکه ابعاد حسی و احساسی را نیز در بر می‌گیرند که تجربه بازدیدکنندگان را غنی کرده و یادآوری خاطرات مکانی را تسهیل می‌کند (Gallou et al., 2022).

از منظر نظری، توجه به افوردنس‌های فضایی و عملکردی به بازدیدکنندگان اجازه می‌دهد تا تعامل فعال و هدفمند با محیط داشته باشند، فرایندی که با رویکردهای شناختی و تعاملات جسمانی انسان هم‌سو است (Mulder, 2022; Djebbara et al., 2024). همچنین، بهره‌گیری از افوردنس‌های تعاملی و دیجیتال در محیط‌های واقعیت مجازی و خدمات میراث‌فرهنگی، یادگیری و مشارکت کاربران را افزایش داده و پذیرش فناوری‌های نوین را تسهیل می‌کند (Jia et al., 2023; Lee et al., 2025).

در سطح نظری، افوردنس‌ها به‌عنوان پلی میان ویژگی‌های فیزیکی و ظرفیت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی بازدیدکنندگان عمل کرده و زمینه طراحی محیط‌های تاریخی و دیجیتال را فراهم می‌آورند که کارکردی و تجربه‌محور هستند (Wang et al., 2024). به این ترتیب، چهارچوب افوردنس می‌تواند مبنای توسعه نظری و عملی در تحلیل و طراحی تجربه بازدیدکننده در بناهای تاریخی، موزه‌ها و سایت‌های میراث‌فرهنگی باشد، زیرا تجربه انسانی در این فضاها از تعامل میان ویژگی‌های محیط و ظرفیت‌های ادراکی و عملی انسان شکل می‌گیرد.

• نقش حفاظت‌گر در تعیین و طبقه‌بندی قابلیت‌های ادراک‌شده با استفاده از تعریف گیور

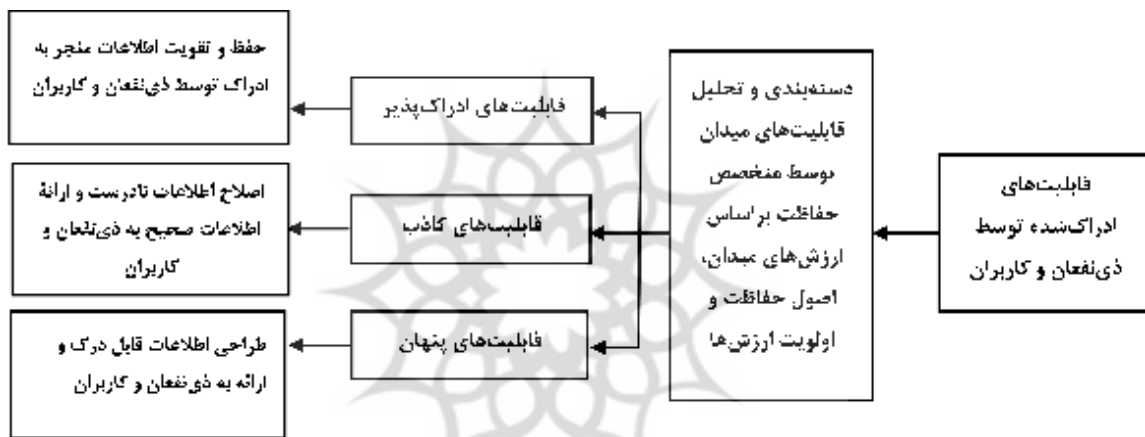
در فرایند تصمیم‌گیری‌های حفاظتی، مشارکت ذی‌نفعان و کاربران، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود؛ باین‌حال، تسلیم بی‌چون‌وچرای نظرات اکثریت، می‌تواند به نتایجی منجر شود که در ادبیات حفاظت از آن با عنوان «اثر تم‌پارک» یاد می‌شود (Vinas, 2018, 154). این اثر، به معنای تغییر کالبدی یا عملکردی یک اثر تاریخی به‌گونه‌ای است که صرفاً مبتنی بر نیازهای روزمره یا سلیق کوتاه‌مدت کاربران

• رابطه میان ویژگی‌های میدان، نیازهای ذی‌نفعان و قابلیت‌های ادراک‌شده

تورگوت (Turgut, 2020) در پژوهشی پیرامون رابطه میان شهر و میدان، مؤلفه‌های مهم در تحلیل ویژگی‌های میدان را در شش گروه ویژگی‌های تاریخی، فیزیکی (کالبدی)، معنایی، اجتماعی، کارکردی (عملکردی) و بصری ارائه می‌کند. ویژگی‌های میدان در هرکدام از این جنبه‌ها، قابلیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که براساس نظر او، کاربران می‌توانند آن‌ها را ادراک کرده یا نکنند. هر گروه از این قابلیت‌ها، توان پاسخ‌گویی به بخشی از نیازهای مخاطبین و ذی‌نفعان در میدان تاریخی را دارند که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند برای مخاطب ایجاد ارزش کنند (تصویر ۴). هرکدام از این



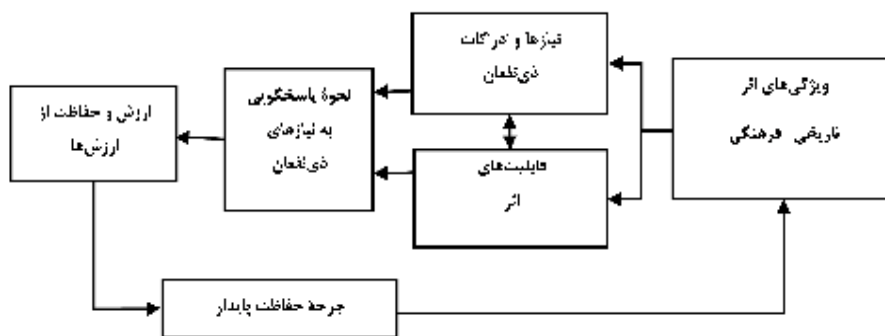
تصویر ۲. ادراک عملکردی از فضای رواق‌های میدان گنجعلی‌خان، قابلیت ادراک‌پذیر. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳. نقش حفاظت‌گر در فرایند تحلیل و بررسی قابلیت‌های ادراک‌شده و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. اصول احتیاطی پنج‌گانه در منشورها و بیانیه‌های بین‌المللی حفاظت میراث. مأخذ: Raoufi & Khajepour, 2021

اصول احتیاطی (معیار)	مرجع حمایت‌کننده	شاخص‌های ارزیابی
یکپارچگی	منشور آتن (۱۹۳۰): ماده ۵ منشور ونیز (۱۹۶۴): ماده ۵، ۹، ۱۲	حفظ یکپارچگی شکلی، بصری و ساختاری اثر
اصالت	منشور آتن: ماده ۲، ۶، ۷ منشور ونیز: ماده ۱۱، ۱۳ سند نارا (۱۹۹۴)	حفظ تمامیت، هویت و سندیت اثر
خوانایی	منشور آتن: ماده ۲، ۴، ۷ منشور ونیز: ماده ۱۲، ۱۳	قابل تشخیص بودن بخش‌های الحاقی، جایگزین‌شده و مواد جدید در اثر
حداقل مداخله	منشور ونیز: ماده ۱۳ منشور بورا: ماده ۸	انجام حداقل مداخله فیزیکی بر روی اثر، تلاش برای جلوگیری از تغییر و تحریف مدارک مربوط به کالبد
برگشت‌پذیری	ایکروم (۱۹۹۸) منشور بورا: ماده ۱۵ ایکوموس (۲۰۰۳)	امکان تغییر (حذف، گسترش و برگشت) مداخله و عدم ممانعت اقدام انجام‌شده از انجام مداخلات آتی بر روی اثر



تصویر ۴. قابلیت ادراک‌شده و رابطه میان ویژگی‌های میدان تاریخی و حفاظت از ارزش‌ها. مأخذ: نگارندگان.

از سه متخصص دکتری حفاظت از میراث معماری اهل کرمان و مسلط به مبانی نظری حفاظت میراث فرهنگی و همچنین مسلط به ارزش‌های مختلف میدان گنجعلی‌خان)، قابلیت‌های ادراک‌شده مذکور را براساس تعریف گیور به سه گروه قابلیت‌های کاذب، پنهان و ادراک‌پذیر تقسیم‌بندی کرده و برای هر گروه رویکرد جداگانه پیشنهاد دادند.

نمونه موردی

مجموعه گنجعلی‌خان کرمان در بخش میانی بافت قدیم شهر کرمان و در مجاورت راسته اصلی بازار تاریخی کرمان قرار گرفته است. این مجموعه را گنجعلی‌خان حاکم کرمان در سال‌های ۱۰۰۵ تا ۱۰۲۹ هجری قمری (حدود سال‌های ۹۹۰ شمسی) پایه‌گذاری کرده و ساخته است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸، ۶۷). مجموعه شامل میدان مرکزی، مدرسه (کاروان‌سرا)، حمام، آب‌انبار، ضراب‌خانه سکه، مسجد و بخشی از راسته بازار تاریخی کرمان است. عناصر معماری یادشده، میدان مرکزی را احاطه کرده و جداره‌های آن را شکل داده‌اند. از این رو می‌توان میدان گنجعلی‌خان را در سه بخش فیزیکی طبقه‌بندی کرد. بخش نخست فضای میانی میدان است که در ابعاد ۵۰ در ۱۰۰ متر، به صورت مستطیل و بدون عنصر معماری میانی و به صورت کاملاً باز قرار گرفته است. در بخش دوم عناصر معماری محیطی میدان قرار گرفته‌اند که فضای باز میانی را محاط کرده و شکل داده‌اند. این عناصر شامل حمام و راسته بازار اصلی در ضلع جنوبی، مدرسه و مسجد گنجعلی‌خان در ضلع شرقی، ضراب‌خانه در ضلع شمالی و آب‌انبار در ضلع غربی میدان هستند. علاوه بر این عناصر، مغازه‌ها و فضاهای تجاری نیز در مجاورت آن‌ها، مجموعه جداره‌ها و فضاهای معماری لایه دوم را شکل می‌دهند. این لایه، به وسیله ستون‌هایی که وظیفه تشکیل یک رواق سایه‌انداز را در سه ضلع میدان (به جز ضلع شرقی، کاروان‌سرا و مسجد) بر عهده دارند، به فضای باز میانی متصل شده و مجموع این دو فضا را به وحدت رسانده است. لایه سوم کالبد میدان را می‌توان گذرهای اصلی

ویژگی‌ها، مؤلفه‌های کیفیت فضا را نیز در خود جای می‌دهد (Khajepour Galousalari & Hanachi, 2025). برای مثال مؤلفه امنیت می‌تواند در گروه ویژگی‌های فیزیکی (فضایی) و اجتماعی یا مؤلفه خوانایی در گروه ویژگی‌های بصری و تاریخی قابل دستیابی باشد.

روش پژوهش

هدف این پژوهش کاربردی، تبیین و بررسی نقش قابلیت در فرایند حفاظت میادین تاریخی شهری است. در این پژوهش، نخست در رویکردی تحلیلی-استنتاجی و با روش توصیفی، آرا و نظرات معتبر با محوریت مفهوم قابلیت محیط و از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و جست‌وجو در نظرات اندیشمندان این حوزه بررسی شده است. پس از آن و از طریق این فرایند، رابطه میان قابلیت ادراک‌شده، نیازهای ذرات نفعان و همچنین ویژگی‌های میدان تاریخی تحلیل و تبیین شده است.

در ادامه، میدان گنجعلی‌خان کرمان به عنوان نمونه، بررسی شده است. در این نمونه پژوهش، ابتدا از طریق مطالعات اسنادی و میدانی، ویژگی‌های شش‌گانه میدان (Turgut, 2020) بررسی و تبیین شد. سپس قابلیت‌هایی که ذرات نفعان میدان گنجعلی‌خان کرمان ادراک کرده‌اند، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته باز از ذرات نفعان گوناگون میدان استخراج شد. هر مصاحبه شامل شش پرسش باز بود که هر پرسش به یکی از ویژگی‌های شش‌گانه میدان می‌پرداخت. هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود و اطلاعات پس از ضبط صدا، به صورت متن درآمد و در نرم‌افزار MAXQDE کدگذاری و تحلیل شد. از آنجاکه این پژوهش تحت تأثیر تنوع گروه‌ها بوده است، ضمن انتخاب استراتژی نمونه‌گیری حداکثر تنوع، تعداد مصاحبه‌ها بیش از ۲۰ نفر در نظر گرفته شد که با حذف مصاحبه‌های خارج از موضوع و بدون دیتا، در نهایت با ۲۰ مصاحبه، دیتای لازم به دست آمده و به اشباع رسید. پس از آن، یک گروه کانونی (فوکوس گروپ) متخصص (متشکل

یافته‌های پژوهش

• ادراک کاربران و ویژگی‌های میدان گنجعلی خان

ادراک کاربران از فضای میدان، تحت تأثیر دو مولفه مهم ویژگی‌های میدان از یک سو و نیازهای ذی‌نفعان از سوی دیگر قرار می‌گیرد. ویژگی‌های میدان در ذهن کاربران تصویری را ایجاد کرده و این تصویر به صورت ذهنی و کیفی با نیازهای آن‌ها منطبق شده و موجب ادراک آن‌ها از قابلیت‌های میدان می‌شود (Khajepour Galousalari & Hanachi, 2025).

بنابراین موضوع ادراک قابلیت‌ها در ذهن مخاطبان موضوعی کیفی است و با توجه به ویژگی‌های میدان و نیازهای آن‌ها، از هر کاربر به کاربر دیگری متفاوت است. از این رو برای فهم ادراک واقعی یک کاربر از میدان، نمی‌توان وی را در مقابل گزینه‌های بسته و از پیش تعیین شده قرار داده و وی را در معرض انتخاب یکی از گزینه‌ها گذاشت. برای کشف ادراک پرسش‌شونده، باید از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با اقدام شود (نیمه‌ساختاریافته به دلیل مشخص بودن ویژگی‌های میدان و باز به دلیل نامعین بودن ادراک کاربران) تا کاربران بدون قضاوت قبلی و محدودیت ذهنی، ادراک خود را از قابلیت‌های میدان بیان کنند.

پس از دریافت پاسخ‌ها، دیتای حاصل در یک فرایند تحلیل کیفی قرار گرفت. برای فهم بهتر مقدار و سنگینی هر یک از مفاهیم کدگذاری شده و تعداد آن‌ها در پاسخ‌ها، نتایج حاصل به صورت نمودارهای کمی ارائه شد. این کار به متخصص حفاظت اجازه می‌دهد تا مقدار توجه به هر یک از قابلیت‌ها را دریافت کرده و با سایر آن‌ها مقایسه کند.

در اولین مرحله و با توجه به ویژگی‌های شش‌گانه، بیش از ۲۰ مصاحبه با گروه‌های متنوعی از کاربران و ذی‌نفعان میدان گنجعلی خان (شامل گردشگران، ساکنین، دانشجویان، متخصصان و مدیران میراثی) انجام شد. قابلیت‌هایی که مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کرده‌اند، در شش گروه طبقه‌بندی شده است (جدول ۳).

بحث

• طبقه‌بندی قابلیت‌های ادراک شده در میدان

گنجعلی خان براساس تعریف گیور

مجموعه قابلیت‌های برداشت شده از مصاحبه‌ها، کاملاً براساس ادراک مخاطبین و بدون هرگونه قضاوت، پیش‌آگاهی یا خطدهی، مصاحبه‌کننده چنان‌چه در جدول ۳ گزارش شد به دست آمد. چنان‌چه پیش‌تر و در بخش روش تحقیق توضیح داده شد، قابلیت‌های مذکور به طرق مختلف و در وجوه متفاوت اجرایی، می‌تواند منطبق یا مغایر با دو معیار اصلی در مداخلات حفاظتی و استفاده از منابع میراثی باشند. از یک سو اصول پنج‌گانه معیار حفاظت و از سوی دیگر ارزش‌های

میان بافت پیرامونی میدان و عناصر لایه اول و دوم (فضای میانی و عناصر معماری پیرامون آن) از جمله گذر گلبازخان، چهارسوق و راسته بازار میدان قلعه، راسته بازار اصلی و همچنین راسته بازار وکیل و حاج آقا علی دانست.

معماری مجموعه گنجعلی خان نسبت به دوره‌های گذشته، در هندسه ساده‌تر شده و خطوط پیچ‌درپیچ متداول در گذشته جای خود را به شکل‌های هندسی ساده و خطوط شکسته داد. تکنیک‌های تزئینی نیز متنوع‌تر شده و آجرکاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، آیینه‌کاری، تزئینات چوبی و ... هم‌زمان به کار گرفته شد. با رسمی شدن مذهب شیعه در دوران صفوی و رواج نوعی از تصوف، معماری و تزئینات مرتبط با آن نیز در بناهای متعلق به این دوران، از جمله مجموعه گنجعلی خان تحت تأثیر قرار گرفت (شایسته‌فر، ۱۳۸۴).

عملکرد مجموعه گنجعلی خان شامل فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی در طول دوران ساخت و حیات آن تا به امروز، منجر به تمرکز فعالیت‌های شهری شده و مجموعه‌ای از فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی را تشکیل داده است. کاروان‌سرا محل اقامتی برای بازرگانان و مسافران بوده و به تحکیم روابط اجتماعی و پیوندهای داخل مجموعه کمک بسیاری کرده است. فضای باز میانی حلقه اتصال مجموعه و محل تجمع و برخورد گروه‌های اجتماعی بوده است. در سمت دیگر، ضراب‌خانه (موزه سکه کنونی) با عملکردی دولتی به‌طور مستقیم با تجارت و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط بوده است. در سایر اضلاع میدان نیز آب‌انبار و حمام خدمات عمومی شهری را ارائه داده و رفاه و آسودگی گذرندگان و دادوستدکنندگان را فراهم و حضور گروه‌های بیشتری از مردم را تضمین می‌کرده است. تفکر و حکمت اسلامی، حلقه اتصال را میان زندگی روزمره دنیوی میدان و زندگی معنوی دینی را از طریق مسجد و مدرسه ایجاد می‌کرده که به وجه معنایی میدان اهمیت و اعتباری چندبرابر داده است. طرح سنتی میدان- بازار، این میدان را در ردیف آگورا و فوروم قرار داده و عملکرد اصلی آن برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی طراحی شده است که با تلفیق و ارائه فضاهای آموزشی، مذهبی و خدماتی نیز تقویت شده است (Ebrahimi, 2009). ساختار فیزیکی این ترکیب فضاهای عمومی شهر و عملکرد آن‌ها به‌عنوان فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی، آن را به محلی چندکاره با هدف اجتماع شهروندان تبدیل کرده که می‌تواند همچنان در این مسیر نقش‌آفرینی کند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت میدان گنجعلی خان کرمان، در همه وجوه شش‌گانه ارائه شده توسط تورگوت، دارای ویژگی‌هایی است که قابلیت ادراک توسط مخاطبین و ذی‌نفعان میدان در آن‌ها وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲. ویژگی‌های شش‌گانه میدان گنجعلی‌خان کرمان. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی	مهم‌ترین ویژگی‌های شش‌گانه در میدان گنجعلی‌خان
تاریخی	قدمت بالا (دوران صفویه) - تمرکز رویدادهای تاریخی شهر در دوران صفویه - ارتباط تاریخی گذشته شهر تا دوران معاصر
فیزیکی	ابعاد مردم‌وار و متناسب میدان، برخورداری از فضاهای باز مرکزی، رواق‌های جانبی و فضاهای تجاری جانبی، اتصال فیزیکی بازار به شهر، فضای فیزیکی ارتباط‌دهنده عناصر شهری
معنایی	نماد تاریخ شهر کرمان، معنای زندگی جمعی و گروهی در شهر، معنای ارتباط جمعی و مرادوات اجتماعی
اجتماعی	مرکز ارتباط گروه‌های اجتماعی، مرکز تنوع گروه‌های اجتماعی، مرکز رخداد‌های اجتماعی شهر در طول تاریخ آن
کارکردی و عملکردی	کارکردهای اجتماعی، کارکردهای اقتصادی، کارکردهای ارتباطی
بصری	بهره‌گیری از ریتم در منظر، پرسپکتیو و خط آسمان مشخص، هارمونی و تعادل در رنگ مصالح و تزیینات

جدول ۳. قابلیت‌های ادراک‌شده در میدان گنجعلی‌خان توسط ذی‌نفعان. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی	اقدامات لازم
تاریخی	آگاهی‌بخشی عمومی از قابلیت‌های آموزشی میدان، تقویت اطلاعات حاصل از ویژگی‌های فرهنگی و معماری میدان، آگاهی‌بخشی از ویژگی‌های تاریخی میدان و پرهیز از ارائه داده‌های تاریخی غیر از میدان و مجموعه مرتبط با آن
فیزیکی	دسترسی منطقی به کالبد فیزیکی میدان، تسهیل استفاده از سکوها و فضاهای قابل نشستن برای مخاطبین، آگاهی‌بخشی عمومی از عملکرد تاریخی میدان به‌عنوان فضای اجتماعی و نه به‌عنوان فضای سبز و یا پارک آبی
معنایی	تقویت معنای مرتبط با تاریخ میدان گنجعلی‌خان و ارائه آن‌ها، جلوگیری از اختلاط معانی و یا معانی و نمادهای نامرتب با معانی میدان، پرهیز از ارائه خدمات با معانی مغایر با عملکرد و ارزش‌های میدان
اجتماعی	تقویت اطلاعات مرتبط با ویژگی‌های اجتماعی میدان، برگزاری بیشتر نشست‌های مردمی و تقویت مرادوات اجتماعی در میدان، برگزاری مراسم محلی - مذهبی فصلی (بدون دخالت کالبدی)
کارکردی و عملکردی	اصلاح اطلاعات مرتبط با عملکرد مجموعه میدان، ارزش‌گذاری و آگاهی‌بخشی از ارزش‌های فیزیکی - عملکردی میدان، تقویت اطلاعات مربوط به کالبد میدان و ارزش‌های اصیل آن و جلوگیری از ادراک امکان تغییر در این کالبد، جلوگیری از برگزاری نمایشگاه‌ها و غرفه‌های تجاری - اقتصادی در فضای میانی میدان، به‌خصوص همراه با الحاقات فیزیکی، استفاده از کالبد میدان برای عملکردهای اجتماعی معاصر که نیاز به تغییر در کالبد و عملکرد اصلی میدان ندارد.
بصری	تقویت عناصر بصری اصیل میدان، حفظ خط آسمان و تأکید بر آن، جلوگیری از اختلال بصری در پرسپکتیو میدان با عناصری مانند سازه‌های جدید، درختان بلند و ...، تقویت استفاده از میدان توسط اقوام مختلف به‌خصوص با پوشش‌های محلی، جلوگیری از اختلال در ریتم، رنگ و مصالح میدان به‌خصوص توسط صاحبان مغازه‌ها و دست‌فروش‌ها

بناهای تاریخی با درجهٔ دکتری، اهل شهر کرمان و مسلط به ارزش‌های میدان گنجعلی‌خان (به‌دلیل سابقهٔ مطالعات) شکل داده شده و تمامی قابلیت‌های برداشت‌شده از مصاحبه‌ها در جلسه‌ای حضوری و به‌صورت مشاوره‌ای - کیفی، به قضاوت گذاشته شد. در این جلسه تمامی قابلیت‌ها بررسی شده و به دو گروه ادراک‌پذیر (منطبق با هر دو معیار اصول و ارزش‌ها) و کاذب (متعارض با حداقل یکی از معیارهای اصول و ارزش‌ها) تقسیم‌بندی شدند. از سوی دیگر تعداد اشارهٔ مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان معیاری فازی برای تعیین قابلیت‌های پنهان استفاده شد. به این معنی که در یک طیف از قابلیت‌های پنهان به قابلیت‌های ادراک‌پذیر، قابلیت‌های با تعداد اشارهٔ کمتر

اثر میراثی و فرهنگی. در این مرحله از پژوهش، سنجش قابلیت‌های مذکور با دو معیار فوق انجام شد. از آنجاکه این سنجش را لزوماً باید شخص (اشخاصی) انجام می‌داد که بر دو معیار فوق مسلط باشند، بهترین گزینه متخصص (های) حفاظتی است که از یک سو تئوری‌های حفاظتی و اصول حفاظت را به‌خوبی بشناسند و از سوی دیگر بر ارزش‌های موضوع (میدان گنجعلی‌خان در این‌جا) تسلط کافی داشته باشند. از سوی دیگر هر چه این سنجش به‌سمت برابری نظرات چند متخصص سوق پیدا کند، اهمیت و اعتبار بیشتری خواهد داشت. به همین دلیل با استفاده از روش گروه کانونی (Focus Group)، گروهی سه‌نفره، متشکل از متخصصین مرمت

به‌سمت قابلیت‌های پنهان و قابلیت‌های با تعداد اشاره بیشتر به‌سمت قابلیت‌های ادراک‌پذیر قرار گرفتند.

• قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های تاریخی

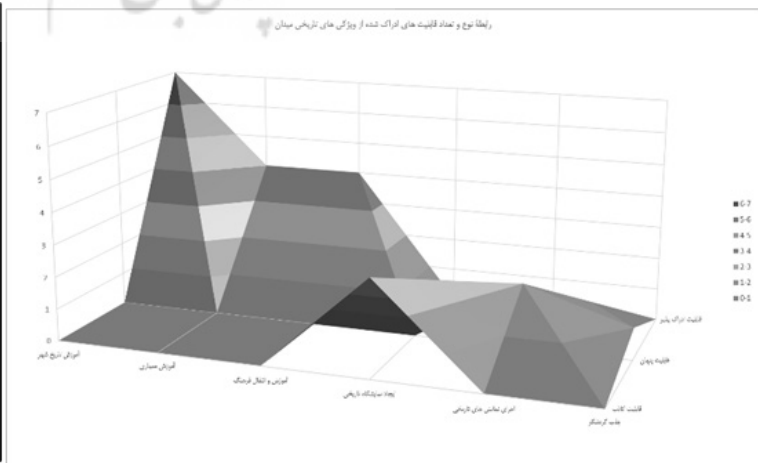
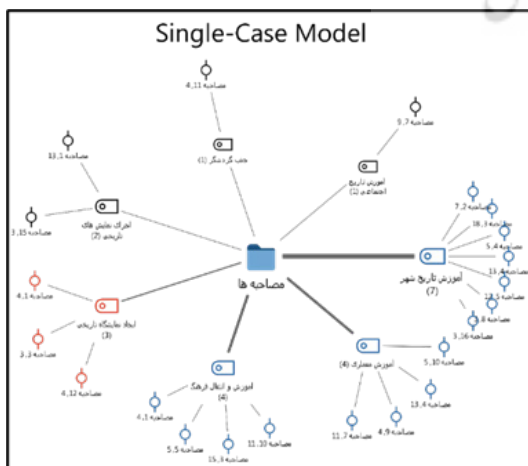
در میان قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های تاریخی میدان، قابلیت آموزش تاریخ شهر کرمان با هفت مورد اشاره‌شده، ادراک‌پذیرترین قابلیت در میان گروه مصاحبه‌شونده بود. ازسوی دیگر قابلیت آموزش و انتقال فرهنگ و آموزش معماری با چهار مورد اشاره‌شده، ادراک‌پذیری کمتری داشت. ادراک قابلیت ایجاد نمایشگاه تاریخی ازسوی گروه کانونی متخصص، متعارض با اصول حفاظت شناخته شد. بنابراین این قابلیت از قابلیت‌های ادراک‌شده کاذب از ویژگی‌های تاریخی میدان به‌شمار می‌رود. این در حالی است که وزن این ادراک کاذب نیز چندان پایین نیست. پررنگ‌شدن تبلیغات گردشگری و حضور گروه‌های اجتماعی از یک سو، عدم آگاهی از اصول حفاظت و ارزش‌های کالبدی و بصری میدان ازسوی دیگر موجب این ادراک از ویژگی‌های تاریخی میدان شده است. اطلاعات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد اقدامات حفاظتی در حوزه ویژگی‌های تاریخی میدان، باید به‌سمتی برنامه‌ریزی شود تا مخاطبان میدان، درک بیشتری نسبت به قابلیت‌های آموزشی میدان، به‌خصوص در حوزه فرهنگ و معماری پیدا کرده و کمتر به موضوع تغییرات کالبدی در میدان برای ایجاد نمایشگاه تاریخی فکر کنند (تصویر ۵).

• قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های معنایی میدان

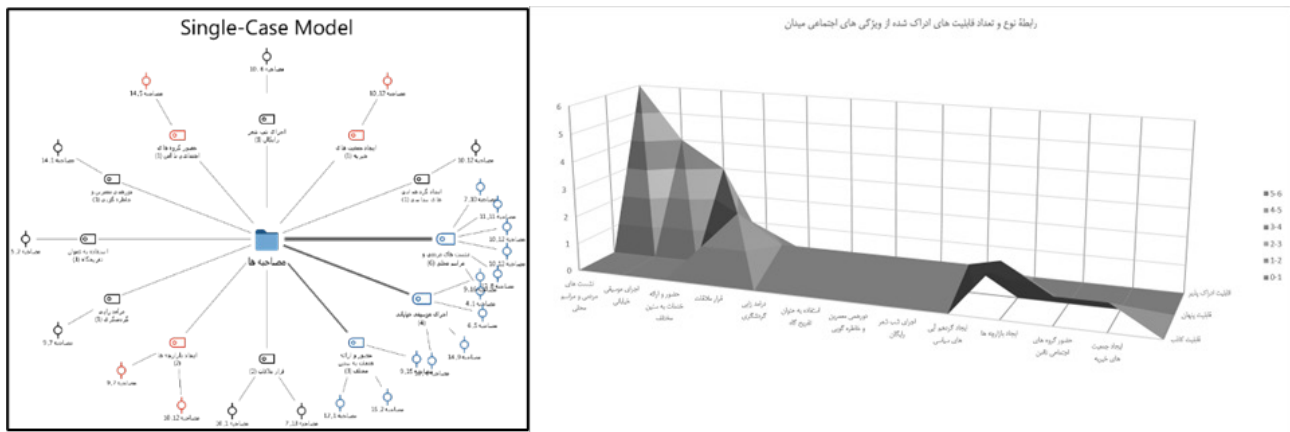
قابلیت‌های حاصل از ویژگی‌های معنایی میدان گنجعلی‌خان نیز همچون قابلیت‌های فیزیکی آن، ادراک‌پذیری پایینی دارند. اگرچه تنوع خوبی دارند اما فراوانی اشاره مخاطبان به آن‌ها، نشان می‌دهد درک مناسبی از قابلیت‌های معنایی میدان در میان مخاطبان و ذی‌نفعان آن وجود ندارد. اختلاط معانی و ناآگاهی از ویژگی‌های میراثی موجب شده تا قابلیت‌های کاذبی همچون نمادبودن برای مقاومت کرمانی‌ها، معنای استقامت و پایداری از سروهای میدان و معنای افتخار به ایرانی‌بودن از مجموعه گنجعلی‌خان در میان برخی از مصاحبه‌شوندگان ادراک شود. اگرچه تعداد ادراک این قابلیت‌های کاذب اندک است، باین‌وجود نشان‌دهنده وجود برخی ویژگی‌های موازی و جانبی در میدان است که منجر به این ادراک می‌شود. ازسوی دیگر باوجود تنوع در ادراکات معنایی از قابلیت‌های میدان، تعداد اشاره به آن‌ها محدود است و می‌توان گفت قابلیت‌های معنایی و نمادین میدان در موضع ضعف قرار دارند و کار و مطالعه جدی‌تری می‌طلبند (تصویر ۷).

• قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های فیزیکی

در میان هفت قابلیت اشاره‌شده از ویژگی‌های فیزیکی میدان، چهار قابلیت اجرای کاشی‌کاری اصیل روی ستون‌های میدان، افزایش صندلی‌ها و نیمکت‌های داخل میدان، استفاده از گلدان و تولید فضای سبز بیشتر و در نهایت ایجاد فواره و آب‌نمای بیشتر در میدان، ازسوی گروه کانونی متخصص به‌عنوان



تصویر ۵. رابطه نوع و تعداد قابلیت‌های ادراک‌شده از ویژگی‌های تاریخی میدان. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. رابطه نوع و تعداد قابلیت های ادراک شده از ویژگی های اجتماعی میدان. مأخذ: نگارندگان.

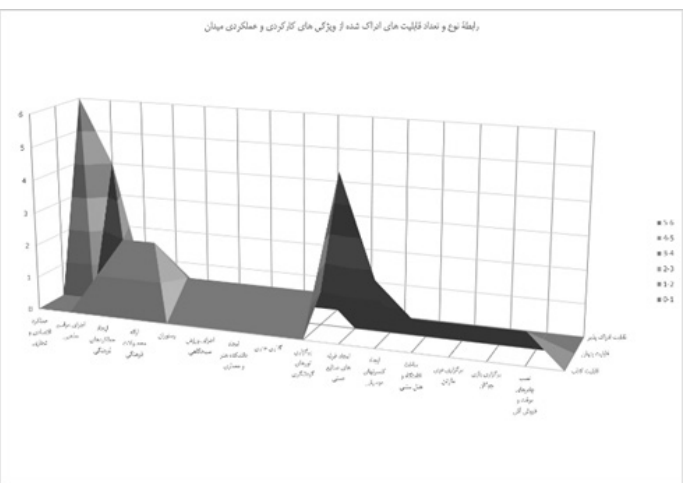
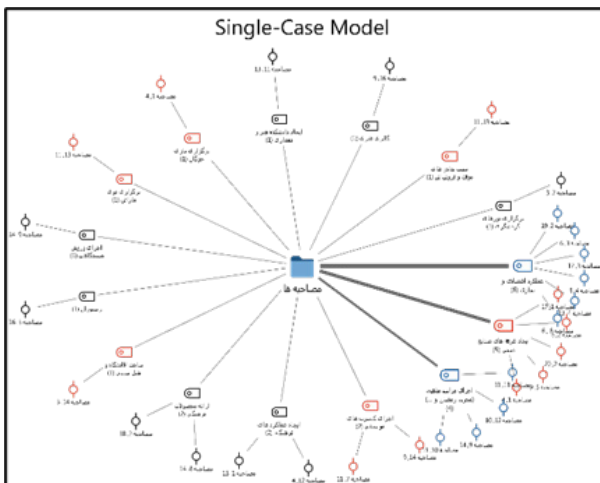
منظر میدان است. طبیعی است که نگاه گردشگری به میدان، همواره ادراک بصری را در اولین سطح ادراک قرار می دهد. چراکه اولین رابطه مخاطب گردشگر با میدان، همواره رابطه بصری است. به خصوص در میدان گنجعلی خان که خط آسمان، ریتم ستون ها، تقارن در هر چهار ضلع میدان، نقوش کاشی کاری، هارمونی و یکدستی رنگ، فرم و مصالح و از همه مهم تر پرسپکتیو جذاب میدان، درک بصری را در اولین برخورد درگیر می کند. قابلیت کاذب ایجاد مجسمه های مرتبط در میدان نیز حاصل همین نوع ارتباط با میدان و تجارب معنایی قبلی بازدیدکنندگان از لذت بصری است. اگرچه از نظر گروه کانونی، این ادراک و قابلیت ادراک شده ناشی از آن به دلیل تعارض با ارزش های بصری و اصول حفاظتی کاذب است. کار روی قابلیت های ادراک شده دیگری مانند استفاده از تنوع بصری قومیت های مختلف در میدان (که با تعداد اشاره یک مورد به همراه چند قابلیت مهم دیگر در طیف قابلیت های پنهان قرار می گیرد) می تواند به ادراک بصری غنی تری از قابلیت های بیشتری در میدان گنجعلی خان کمک کند (تصویر ۱۰).

نتیجه گیری

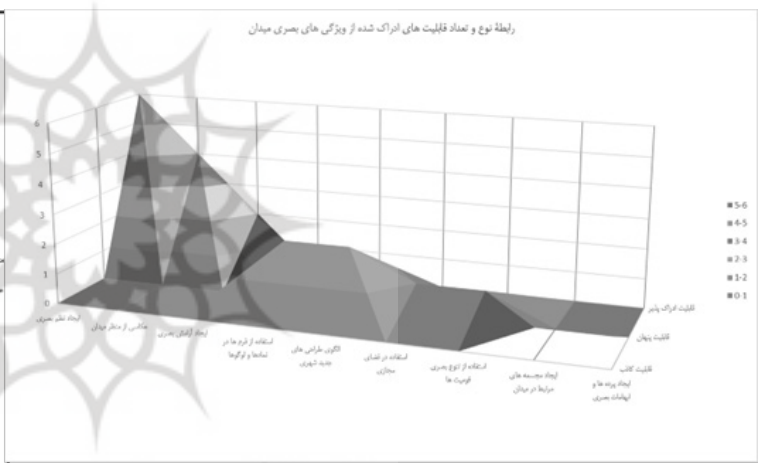
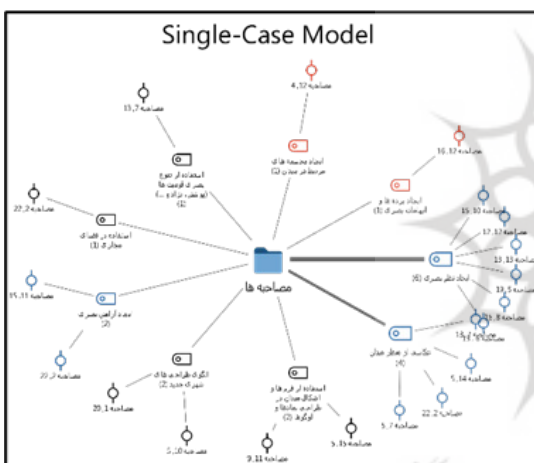
کنش های ناسازگار با ارزش های میدان های تاریخی و اصول حفاظتی که از سوی کاربران و ذی نفعان در ایران انجام می شود، اغلب با واکنش های از بالا به پایین، مانند قوانین ایجابی و دستورالعمل های اجرایی و قانونی، مواجه می شود. در این میان، بهره گیری از مفهوم افوردنس (قابلیت ادراک شده) می تواند با درک برداشت ذی نفعان از قابلیت های موجود در میدان و مدیریت اطلاعات مربوط به این قابلیت ها، جایگزینی برای رویکردهای قهری و دستوری باشد. این مفهوم با تأثیرگذاری بر ادراک ذی نفعان از قابلیت های میدان، به تقویت حفاظت پایدار کمک می کند.

نیاز به تأسیسات زیاد و پیچیده و همچنین محدودیت در ارائه سایر ارزش های میدان، از نظر گروه کانونی قابلیت کاذب شناخته شد (قابلیت اجرای موسیقی در بخش قابلیت های اجتماعی به شکل اجرای موسیقی خیابانی در میدان به صورت گروه های مردمی و کوچک، از نظر گروه کانونی پذیرفته شد و تعارضی با ارزش ها و اصول حفاظت نداشت). قابلیت ایجاد غرفه های صنایع دستی نیز تحت تأثیر برخورد مستقیم مردم با کارکرد عمده تجاری و اقتصادی بازار مجاور میدان ادراک شده است. در سال های اخیر کاروان سرای گنجعلی خان نیز به مجموعه ای تفریحی - اقتصادی متمرکز بر صنایع دستی تبدیل شده که حضور بخش زیادی از مخاطبان و گذراندن بخش عمده زمان در این مکان نیز به چنین ادراکی کمک کرده است. با این حال از نظر گروه کانونی، مجموعه میدان و بناهای اطراف آن در وضع موجود این قابلیت را به اندازه کافی ارائه می دهند و ادراک قابلیت ایجاد غرفه هایی بیش از وضع موجود در داخل میدان یا مجموعه اطراف آن، کاذب است. همین موضوع می تواند شواهدی بر این باشد که قابلیت های مهم دیگری مانند اجرای ورزش صبحگاهی، معرفی معماری ایران، گالری هنری و ... تحت تأثیر این نوع ادراک، درجه ادراک پذیری پایین تری یافته اند. در این میان سه قابلیت عملکرد اقتصادی و تجاری، اجرای مراسم مذهبی (مشروط به حداقل دخل و تصرف کالبدی) و ایجاد عملکردهای فرهنگی قابلیت های ادراک پذیری هستند که درجه ادراک پذیری مناسبی دارند و تمرکز بر آنها می تواند به افزایش ارزش های مختلف میدان در ذهن مخاطبین کمک کند (تصویر ۹).

• **قابلیت های ادراک شده از ویژگی های بصری میدان**
عمده قابلیت های ادراک شده بصری میدان، متمرکز بر قابلیت ایجاد نظم بصری در میدان و قابلیت عکاسی از



تصویر ۹. رابطه نوع و تعداد قابلیت های ادراک شده از ویژگی های کارکردی و عملکردی میدان. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. رابطه نوع و تعداد قابلیت های ادراک شده از ویژگی های بصری میدان. مأخذ: نگارندگان.

به تمامی انواع میراث را دارد. علاوه بر این، مفهوم قابلیت ادراک شده به طراحان حفاظتی امکان می دهد تا به صورت هم زمان، ارزش های میدان تاریخی را به عنوان بخشی از منظر شهری تاریخی و نیازهای کاربران و ذی نفعان را (که از مهم ترین کنشگران محیط های تاریخی به شمار می روند) تحلیل، مدیریت و هدایت کنند. این مفهوم به طراحان اجازه می دهد رفتار ذی نفعان و کاربران را در جهت حفظ ارزش های میدان تاریخی ترغیب یا هدایت کنند. در واقع، از طریق قابلیت های ادراک پذیر که حاصل ویژگی های کالبدی و معنایی میدان اند، می توان پلی ارتباطی میان طرح های حفاظتی و نیازهای کاربران ایجاد کرد و از آن به عنوان زبانی مشترک میان گروه های دخیل و ذی نفع بهره گرفت. قابلیت های ادراک پذیر، با فراهم آوردن امکان مقایسه

از طریق این رویکرد، می توان اطلاعات مربوط به قابلیت های کاذب را با اقداماتی متناسب بر ویژگی های میدان و نیازهای ذی نفعان، حذف یا اصلاح کرد و در نتیجه، درک نادرست از این قابلیت ها را کاهش داد. به علاوه، قابلیت های پنهان را می توان آشکار و تقویت کرد و با هدایت ویژگی های میدان و خواسته های ذی نفعان به سوی این قابلیت ها، زمینه ساز درکی صحیح و مؤثر از آن شد. این فرایند، مشارکت ذی نفعان در فرایندهای حفاظتی را تقویت کرده و میزان تعارض آن ها با اصول حفاظت و ارزش های میدان تاریخی را کاهش می دهد. با توجه به اینکه تمامی گونه های میراث فرهنگی (منقول یا غیرمنقول، ملموس یا ناملموس) دارای ذی نفعانی هستند که باید در حفاظت آن ها نقش داشته باشند و کنش هایشان تأثیر مستقیم بر اثر فرهنگی دارد، این مفهوم قابلیت تعمیم

فهرست منابع

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۶۸). گنجعلی خان. نشر اساطیر.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۴). نقش تزیینی و پیام رسانی کتیبه در معماری اسلامی. کتاب ماه هنر، (۸۹-۹۰)، ۹۴-۱۰۸. <https://ensani.ir/fa/article/89360>
- Alves, S. (2014). Affordances of historic urban landscapes: An ecological understanding of human interaction with the past. *European Spatial Research and Policy*, 21(2), 13-31. <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=426760>
- Alwah, A. A., Li, W., Alwah, M. A., & Shahrah, S. (2021). Developing a quantitative tool to measure the extent to which public spaces meet user needs. *Urban Forestry & Urban Greening*, 62, 127152. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127152>
- Amar, J. H. N. (2017). *Conservation of cultural built heritage* [Doctoral dissertation, Bond University]. https://pure.bond.edu.au/ws/portalfiles/portal/36082140/Johari_Amar_Thesis.pdf

میان رفتار و کنش‌های ذی‌نفعان با انتظارات آن‌ها از محیط، نه تنها زمینه اصلاح خطاهای گذشته در طراحی و اقدامات حفاظتی را فراهم می‌کند، بلکه از تکرار آن‌ها جلوگیری کرده و به تدوین راهبردهای اصلاح‌شده برای دستیابی به اهداف مطلوب حفاظت یاری می‌رساند. افزون بر این، از مهم‌ترین مزایای این مفهوم آن است که می‌توان از مراحل آغازین طراحی حفاظت تا ارزیابی و پایش پس‌از اجرا، از آن به‌عنوان ابزاری برای بررسی و مانیتورینگ وضعیت میدان تاریخی بهره گرفت.

همچنین نتایج حاصل از پژوهش در مورد میدان گنجعلی خان را که در تصاویر ۵ تا ۱۰ و توضیحات مربوط به آن‌ها به تفصیل ارائه شده است، می‌توان مطابق جدول ۴ خلاصه کرد.

عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

جدول ۴. اقدامات لازم برای هریک از ویژگی‌های میدان گنجعلی خان با توجه به تحلیل ادراک قابلیت‌ها توسط ذی‌نفعان. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی‌های میدان	قابلیت‌های ادراک‌شده توسط گروه مصاحبه‌شده به ترتیب تعداد اشاره از سوی مصاحبه‌شوندگان
تاریخی	آموزش تاریخ شهر کرمان (۷)، آموزش و انتقال فرهنگ (۴)، آموزش معماری (۴)، ایجاد نمایشگاه تاریخی (۳)، اجرای نمایش‌های تاریخی (۲)، آموزش تاریخ اجتماعی کرمان (۱)، جذب گردشگر (۱)
فیزیکی	ایجاد فواره‌های زیبا و آب‌نما برای بازی (۳)، استفاده از گلدان و تولید فضای سبز بیشتر (۳)، نشستن روی سکوها و پله‌ها برای تفریح و آرامش (۲)، افزایش صندلی‌ها و نیمکت‌ها داخل میدان (۲)، اجرا و نصب تأسیسات نور روی ستون‌ها و دیوارها (۲)، اجرای کاشی‌کاری‌های اصیل روی ستون‌های میدان (۱)، استفاده به‌عنوان الگویی برای آثار هنری (۱)
معنایی	محل برای آرامش (۳)، نماد وصال و میثاق اجتماعی (۳)، نماد گردشگری کرمان (۲)، مرکز شهر و تجمع (۲)، نوستالژی و اصالت (۲)، افتخار به ایرانی‌بودن (۱)، نماد استحکام و دوام (۱)، سروهای میدان در نماد و معنای استقامت (۱)، نماد و معنای زندگی (۱)، فضای مردمی و عمومی (۱)، نماد مقاومت کرمانی‌ها (۱)
اجتماعی	برگزاری نشست‌های مردمی و مراسم (۶)، اجرای موسیقی خیابانی (۴)، پذیرای سنین مختلف و ارائه خدمات (۳)، قرارملاقات (۲)، ایجاد بازارچه‌ها (۲)، درآمد گردشگری (۱)، استفاده به‌عنوان تفریحگاه (۱)، دوره‌های افراد معمر و خاطره‌گویی (۱)، حضور گروه‌های اجتماعی ناامن (۱)، شب شعر رایگان (۱)، ایجاد جمعیت‌های خیریه (۱)، ایجاد گردهم‌آیی‌های سیاسی (۱)
کارکردی و عملکردی	عملکرد اقتصادی و تجاری (۶)، ایجاد غرفه‌های صنایع‌دستی (۵)، اجرای مراسم مذهبی (محرّم، رمضان و ...) (۴)، اجرای کنسرت‌های موسیقی (۲)، ایجاد عملکردهای فرهنگی (۲)، ارائه محصولات فرهنگی (کتاب، لباس سنتی و ...) (۲)، رستوران (۱)، اجرای ورزش صبحگاهی (۱)، برگزاری دوی مارتن (۱)، نصب چادرهای موقت و فروش آش (۱)، اقامتگاه و هتل سنتی (۱)، انجام بازی چوگان (۱)، برگزاری تورهای گردشگری (۱)، ایجاد دانشکده هنر و معماری (۱)، گالری هنری (۱)
بصری	ایجاد نظم بصری (۶)، عکاسی از منظر (۴)، استفاده از فرم‌ها و اشکال در طراحی نمادها و لوگوهای جدید (۲)، الگوی طراحی‌های شهری جدید (۲)، ایجاد آرامش بصری (۲)، استفاده در فضای مجازی (۱)، استفاده از تنوع بصری قومیت‌ها (پوشش، شکل و رنگ) به‌عنوان جاذبه (۱)، ایجاد مجسمه‌های مرتبط در میدان (۱)، ایجاد پرده‌ها و ابهامات بصری در میدان (ارائه بصری میدان در موانع و ابهامات بصری) (۱)

- Bagheri, E. (2014). Applied concepts of affordance theory from psychology to design process. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 19(3), 55-64. <https://sid.ir/paper/146706/en>
- Bandarin, F., & Van Oers, R. (2012). *The historic urban landscape: Managing heritage in an urban century* (P. Doulabi, P. Eshratī, & S. Fadaei Nejad, trans.). University of Tehran. (Original work published 2012)
- Bareither, C. (2021). Capture the feeling: Memory practices in between the emotional affordances of heritage sites and digital media. *Memory Studies*, 14(3), 578-591. <https://doi.org/10.1177/17506980211010695>
- Bell, P., Thomas, C., Jeffrey, D., & Andrew, S. (2005). *Environmental Psychology*. Earl McPeck.
- Daneshgarmoghaddam, G., & Eslampour, M. (2013). Study of the affordance theory based on Gibson's point of view and its effects on studies of human-built environment. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 5(9), 73-86. <https://sid.ir/paper/202460/en>
- Djebbara, Z., King, J., Ebadi, A., Nakamura, Y., & Bermudez, J. (2024). Contemplative neuroaesthetics and architecture: A sensorimotor exploration. *Frontiers of Architectural Research*, 13(1), 97-111. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2023.10.005>
- Ebrahimi, M. H. (2009). Meydan: Indeterminate urban spaces in Iranian cities. *Hoviatshahr*, 3(4), 107-120. <https://sid.ir/paper/154683/en>
- Emamgholi, A., Ayvazian, S., Zadehmohammadi, A., & Eslami, G. (2013). Environmental Psychology: The common field between architecture and behavioral sciences. *Journal of Behavioral Sciences*, 4(14), 23-44. <https://sanad.iau.ir/journal/jsae>
- Gallou, E., Uzzell, D., & Sofaer, J. (2022). Perceived place qualities, restorative effects and self-reported wellbeing benefits of visits to heritage sites: Empirical evidence from a visitor survey in England. *Wellbeing, Space and Society*, 3, 100106. <https://doi.org/10.1016/j.wss.2022.100106>
- Gaver, W. W. (1991). Technology affordances. In *Proceedings of the SIGCHI conference on Human factors in computing systems* (pp. 79-84). ACM Press.
- Ghaedrahmati, S., & Nejati, S. (2019). Investigating the Change in Urban Identity of Imam Khomeini (Toepkhaneh) Square in Tehran City. *National Studies Journal*, 20(78), 131-146. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735059.1398.20.7.8.8.4>
- Hazen, H. (2009). Valuing natural heritage: park visitors' values related to World Heritage sites in the USA. *Current Issues in Tourism*, 12(2), 165-181. <https://doi.org/10.1080/13683500802538260>
- Jia, W., Li, H., Jiang, M., & Wu, L. (2023). Melting the psychological boundary: How interactive and sensory affordance influence users' adoption of digital heritage service. *Sustainability*, 15(5), 4117. <https://doi.org/10.3390/su15054117>
- Khajepour Galousalari, M., & Hanachi, P. (2025). Investigating the Concept of "Affordance" in the Protection of Urban Historic Squares in Iran. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 13(26), 85-104. <https://doi.org/10.22052/jias.2024.254479.1290>
- Koutamanis, A. (2006). Buildings and Affordances. In J. S. Gero (Ed.), *Design computing and cognition* (pp. 345-364). Springer.
- Lee, J., Jung, T., Tom Dieck, M. C., García-Milon, A., & Kim, C. S. (2025). Affordance, digital media literacy, and emotions in virtual cultural heritage tourism experiences. *Journal of Vacation Marketing*, 31(4), 1056-1073. <https://doi.org/10.1177/13567667241255383>
- Liu, Y. C., & Lu, S. J. (2009). An investigation of function based design considering affordances in conceptual design of mechanical movement. In *International Conference on Engineering Psychology and Cognitive Ergonomics* (pp. 43-51). Springer Berlin Heidelberg. https://doi.org/10.1007/978-3-642-02728-4_5
- Maier, J. R., Fadel, G. M., & Battisto, D. G. (2009). An affordance-based approach to architectural theory, design, and practice. *Design Studies*, 30(4), 393-414. <https://doi.org/10.1016/j.destud.2009.01.002>
- Mohammadi, M., Nadimi, H., & Saghafi, M. (2017). Investigating the application of the concept of 'affordance' in the design and evaluation of the built environment. *Soffeh*, 27(77), 21-33. <https://sid.ir/paper/94440/en>
- Mozayeni, M. (2006). *Issues on cities and city planning*. University of Tehran.
- Mulder, H. (2022). Building cognition through material engagement. *Frontiers of Architectural Research*, 11(4), 642-652. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2022.02.008>
- Norman, D. A. (1999). Affordance, conventions, and design. *Interactions*, 6(3), 38-43. <https://doi.org/10.1145/301153.301168>
- Poubahador, P., & Brinkhuijsen, M. (2023). Municipal strategies for protecting the sense of place through public space management in historic cities: A case study of Amsterdam. *Cities*, 136, 104242. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104242>
- Pulles, K., Conti, I. A., de Kleijn, M. B., Kusters, B., Rous, T., Havinga, L. C., & Kaya, D. I. (2023). Emerging strategies for regeneration of historic urban sites: A systematic literature

review. *City, Culture and Society*, 35, 100539. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2023.100539>

- Raoufi, Z., & Khajepour, M. (2021). An Approach to Enhance the Validity of Qualitative Evaluations in Conservation Interventions of Historical Monuments Case Study: Khajeh Atabak Tomb in Kerman. *Bagh-e Nazar*, 18(96), 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.234876.4566>
- Rodwell, D. (2014). *Conservation and sustainability in historic cities* (P. Hanachi & Y. Shah Teimouri, trans.). University of Tehran. (Original work published 2008)
- Stevens, Q., Daly, J., & Dovey, K. (2024). Designing for possibility in public space: affordance, assemblage, and ANT. *Urban Design International*, 29(2), 94-104. <https://doi.org/10.1057/s41289-023-00235-y>

[org/10.1057/s41289-023-00235-y](https://doi.org/10.1057/s41289-023-00235-y)

- Turgut, D. (2020). Case study on holistic assessment of the relationship between city and square. *Journal of Architecture and Urbanism*, 44(2), 152-165. <https://doi.org/10.3846/jau.2020.11331>
- Vinas, S. M. (2018). *Contemporary theory of conservation* (Z. Raoufi & M. Khajepour, trans.). Jahad Daneshgahi Press. (Original work published 2005)
- Wang, H., Gao, Z., Zhang, X., Du, J., Xu, Y., & Wang, Z. (2024). Gamifying cultural heritage: Exploring the potential of immersive virtual exhibitions. *Telematics and Informatics Reports*, 15, 100150. <https://doi.org/10.1016/j.teler.2024.100150>



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
خواجه پور، منصور و حناچی، پیروز. (۱۴۰۴). قابلیت ادراک شده و جایگاه آن در فرایند حفاظت از میادین تاریخی در ایران (مطالعه موردی: میدان گنجعلی خان کرمان). *باغ نظر*، ۲۲ (۱۵۳)، ۵-۲۰.

DOI: [10.22034/bagh.2025.537428.5865](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.537428.5865)
URL: https://www.bagh-sj.com/article_236983.html

